

# یغما

شماره مسلسل ۱۶۰

سال چهاردهم

آبان ماه ۱۳۴۰

شماره هشتم

## جمال زاده

شنیده شد که درین اواخر یکی دو روزنامه برخلاف جمالزاده - باصطلاح خودشان - قلم فرسایی فرموده اند . من خود آن روزنامه ها را نخوانده‌ام ولی چنان که نقل کردند گویا در این که جمالزاده در نظر دارد در باره کتاب حاجی بابا اصفهانی تحقیقاتی کند و نویسنده اصلی آن را بشناساند ، اظهار عقیده و نظر کرده اند که این کتاب چنین و چنان است ، و مطالب آن زنده است ، و بقصد توهین ایرانیان تألیف شده است ؛ و بدین موضوع شاخ و برگها بر بسته اند و حرفها زده اند .

بطور معترضه عرض کنم ، در حدود بیست و چهار پنج سال پیش ، مرحوم فروغی و مرحوم دکتر غنی رباعیات ختیم را از روی نسخ قدیمی تصحیح کردند و فروغی مقدمه ای چندان مستند و لطیف و شیرین بر آن نوشت که شاید نتواند کسی بدان شیوائی و خوبی بنویسد . در مقابل این خدمت وزارت فرهنگ هفتصد تومان باین دو نفر ، بهر يك سیصد و پنجاه تومان داد . (نسخه فراداد آن در بایگانی وزارت فرهنگ محفوظ است ) . بعد از شهریور ۱۳۲۰ که فروغی رئیس الوزرا شد و روزنامه های آن

عصر هتّا کی بدان مر حوم را آغاز کردند از گناہانی که برای وی برمی شمردند یکی این بود که نوشتند، فروغی هفده هزار تومان برای تصحیح خیام گرفته است. بعد بتدریج هفده هزار تومان دو برابر و سه برابر شد تا رسید به هفتاد و پنج هزار تومان! روزی بفروغی گفتم درویش صفتی و بی مبالایی تا این حد پسندیده نیست. آخر، چند کلمه بنویس و بگو این مبلغی که به هفتاد و پنج هزار تومان رسانده اید همه اش هفتصد تومان بوده است، باشد که شرمند شوند و از هتّا کی باز ایستند. فرمود، همین دو سه کلمه از نو دست آویزی می شود که بیشتر فحش بدهند. عرض کردم اجازه فرمائید من بنویسم و حتی قراردادی هم که وزارت فرهنگ با شما بسته است گراور کنم، و چاپ کنم، و تعهد کنم که هر کس حاضر شود چنین مقدمه ای بر باعیات خیام بنویسد من خود هفتصد تومان باو می دهم. فرمود نه تنها این استدلالها بخرج نمی رود، بلکه بوجهی دیگر هتّا کی خواهند کرد که چه پست مردی است که بیادش چنین زحمتی مبلغی بدین ناچیزی گرفته است، و باری، بهترین راه خاموشی است.

باز، هتّا کی بفروغی محملی داشت که او از رجال سیاست هم بود و آنها که از نظر کشورمداری با وی مخالف بودند هر گونه دست آویزی برای حمله و هتّا کی می جستند، اما جمالزاده افتاده آزاده که هیچگاه درین مملکت مصدر کار نبوده و چشمداشت و توقّعی هم ندارد که در امور سیاسی درآید و جای را بر دیگران تنگ کند؟ پدرش سید جمال الدین شهید که در ایجاد مشروطیت کشور ایران را بتیغ زبان مسخّر کرد و با همه مخالفین آزادی اعم از درباری و سپاهی و آخوند و بازاری در افتاد جز این که جانش را بر سر این کار گذاشت چه طرفی بر بست که پسرش بدان راه برود! جمالزاده مردی است عالم و دانشمند و نویسنده و قانع و آزاد و خیر اندیش، یعنی انسان، کتابهای او فرزندان او یمنند، و فضیلت او مقام او. در گوشه ای از دنیا بوارستگی و قناعت زندگمی میکند، نان خود را می خورد، و بفرهنگ و ادب کشورش خدمت میکند و بحق و انصاف موجب افتخار ایران و ایرانیان است، چنین وجود مبارکی را آزردن و فکر او را مشوّش داشتن، گناه نیست؛ اگر جمالزاده از مردم کشوری دیگر بود، همان احترام و عظمت را داشت که امثال او در آن کشورها دارند، چرا ما با بزرگان

علم و ادب خودمان چنین رفتار میکنیم که خود را در پیشگاه خردمندان جهان خوار و خفیف نمائیم؟

جمالزاده هر چه نوشته - چنانکه خوانندگان آثار او بهتر می دانند - بطور قطع و یقین همه و همه بمنظور راهنمایی و خیرخواهی است، اگر هم گاهی در نوشته های او کلماتی عتاب آمیز باشد، درست، چون عتاب و سرزنش پدری دلسوز و مهربان است که فرزند خود را بکوشش برانگیزد، و بافتخار و فضیلت بیاراید. چه بی لطف و بی توجه اند آنان که اینگونه تقریبات استادانه را جامه نکوهش می پوشانند. نه تنها فواید معنوی تألیفات او، بلکه اگر هم - فواید مادی داشته باشد به بستگان و هموطنانش عاید می شود زیرا او حقوق تقاعدش را که کفاف مخارجش را می دهد از دفتر بین المللی کار دریافت میدارد، و باری، بهر روی که بنگریم وجود او خیر محض و محض خیر است، و من نمی دانم اگر بنا باشد يك انسان تمام و يك فرد خیر اندیش که هیچگونه آلودگی نداشته باشد و سزاوار باشد که مردم از او پیروی کنند و خود را بصفات وی بیاریند، بنمایند، جز جمالزاده - و امثال او که بسیار کم هستند - که را می توان نشان داد؟ من خود جمالزاده را تا کنون زیارت نکرده ام، این چه نوشته دریافت شاگردی حقیرست از مقام و فضیلت استادی بزرگ - قولی مستحکم و حکمی استوار این است که سید جلیل و خدایگان فضیلت جناب تقی زاده مدظله می فرمایند:

مطالبی که ظاهراً شخصی راجع به آقای جمالزاده در روزنامه نوشته و طعن ناروا بایشان نموده و اسنادات غریب و اتهامات عجیبی که بآن شخص عالی مقدار داده اند فوق العاده موجب تعجب و تأسف اینجانب گردید. من از ۴۶ سال باین طرف آقای جمالزاده را میشناسم و حتی از نزدیک می شناسم و می بینم نه تنها يك جمله هم از آن اسنادات و مطاعن اساس ندارد بلکه ناشی از عدم بصیرت باحوال ایشان است و جمالزاده فضائل زیاد و بی شماری دارد که بعقیده من مایه افتخار ایران است. در میزان اعمال خیر و شری خردلی در کفه سیئات ندارد و در کفه حسنات خصال حمیده و کمالات بی حساب دارد و از آن جمله آنکه وی بهترین نویسنده مملکت ما است و سالیان دراز

دریبداری مردم ایران کوشیده است . بسیار جای افسوس است که سخن هائی از روی اشتباه برخلاف قدردانی نسبت بایشان گفته شده باشد که مبادا خدای نخواستهموجب دلسردی آن شخص شریف ونجیب و وطن دوست که حقی بر کردن همه ما دارد تواند شد . یقین دارم که نویسندۀ آن مطالب که امیدوارم بی غرض ومورد القآت اشتباه آمیز بوده پس از تحقیقات لازمه جبران شایسته کرده وبی اساس بودن آن اسنادات را خود اعلان کند .

دکتر رجائی

عصیان

يك زمان خواهد دلم عصیان كنم  
 بند بر كيرم ز پای دیو خشم  
 بكسلم زنجیر آداب و رسوم  
 گفت دانا یان مرا از پا فکند  
 دفتر آزادگی شویم بآب  
 آفتاب روشن حق را بجهل  
 از هوس کاخی « افزازم بلند  
 کردن تقوی و دانش بشکنم  
 راستان را ابلهان نامم بنام  
 ز آنچه می بایست کردن، فن زخم  
 نی ز ایران؟ همان بهتر که کار  
 عقل رنج افزای را زندان کنم  
 عالمی را از بلا ویران کنم  
 سرخوش اندر این جهان جولان کنم  
 مدتی بر گفته نادان کنم  
 مردمی با خاک ره یکسان کنم  
 ز ابر سالوس وریا پنهان کنم  
 عشق را در پای آن قربان کنم  
 بندگی را سروری عنوان کنم  
 روبهان را مهتر شیران کنم  
 وانچه ناکردن نکوتر، آن کنم  
 بر مدار کشور ایران کنم